

شناسایی مدل‌های تربیتی دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه برای کاربرد در طراحی برنامه درسی قصدشده معارف اسلامی^۱

حسن نجفی *

دانشجوی دکتری مطالعات برنامه درسی دانشگاه علامه طباطبائی^(ره)، تهران، ایران

مرتضی اکبرپور **

دانش آموخته علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ره)، قم، ایران

محمدحسن محمدی ***

دانش آموخته علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ره)، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۰۹)

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی مدل‌های تربیتی دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه و چگونگی کاربرد آن‌ها در برنامه درسی معارف اسلامی انجام شده است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. برای گردآوری داده‌های لازم در نیل به اهداف پژوهش، متن و ترجمه دعای مذکور و نیز دیگر منابع تشریحی با استفاده از فرم‌های فیش‌برداری از منابع جمع‌آوری، و با شیوه‌های کیفی تجزیه و تحلیل شده است. بر اساس یافته‌های این تحقیق، در دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه به گونه‌ای ظریف و دقیق برخی از مدل‌های تربیتی را می‌توان استنتاج و استخراج نمود که عبارتند از: استعانت از خداوند، بهره‌گیری از تقوا، محور قرار دادن محبت راستین، اطاعت‌پذیری، شناخت دشمن (شیطان)، بصیرت، واگذاری مسئولیت به متریان، توجه به رشد اخلاقی، طلب رزق طیب و توجه به تربیت جسمانی. برنامه‌ریزان درسی می‌توانند از مدل‌های تربیتی مذکور با اتخاذ استراتژی‌های مطرح شده از سوی محققان در طراحی بخش‌های اهداف، محتوا، روش‌های یاددهی - یادگیری و ارزشیابی برنامه درسی معارف اسلامی استفاده نمایند.

واژگان کلیدی: امام سجاده^(ع)، صحیفه سجادیه، دعای بیست و پنجم، مدل‌های تربیتی، دروس معارف اسلامی، برنامه درسی.

* نویسنده مسئول) E-mail: hnajafih@yahoo.com

** E-mail: m-akbarpour@yahoo.com

*** E-mail: mh.mohammadi1618@gmail.com

مقدمه

یکی از اصلی‌ترین منابع ما برای اسلامی‌سازی نظام تعلیم و تربیت در سطح کلی و برنامه‌های درسی در سطح جزئی‌تر، آثار به‌جا مانده از ائمه معصوم^(ع) است. از جمله این آثار که بسیار از آن غفلت می‌شود و از جایگاه اصلی خویش تقلیل می‌یابد، دعا و مناجات این بزرگان با پروردگار است. دعا در مسلک اهل بیت عصمت و طهارت^(ع) صرف درخواست از پروردگار نیست، بلکه به‌سان دریایی از معارف می‌ماند و جنبه‌های مختلفی دارد: «ای طلب‌کننده و جوینده، اگر خداوند و قرب او را می‌خواهی، پس مقصودت را از میان دعاها بخواه و اگر کمال و رستگاری و سعادت می‌خواهی، با قلبت به دعا روی آور؛ زیرا دعا مغز عبادت است و اگر در دریایی از حیرت و گرفتاری و خواهان آرامش و طمأنینه بودی، نهایت سعی و تلاشت را انجام ده تا به خواسته‌ات در سایه این دعاهایی که از ائمه معصوم رسیده‌است، نائل شوی. ای اراده‌کننده و طالب، مرادت و خواسته‌ات را از مضامین دعاها عظیم طلب کن»^۱. پژوهشگرانی مانند بهشتی و قریب (۱۳۹۰) نیز اذعان دارند که دعا دلالت‌های تربیتی مختلفی را برای متربی به همراه دارد؛ چراکه باشکوه‌ترین حالت انسان، در لحظه دعا و نیایش به منصفه ظهور می‌رسد. زمانی که او خاضعانه و خاشعانه در محضر معبود خود اظهار عجز و ناتوانی می‌کند و از او یاری می‌طلبد، در واقع، بدین طریق از همه تعلقات مادی و دنیوی رها می‌شود و تنها به «او» می‌اندیشد و با «او» سخن می‌گوید. متربی مسبب‌الأسباب عالم را فقط «خداوند» می‌داند و از همه می‌بُرد تا تنها به او پیوندد. دعا نقطه اتصال روح جویای حقیقت به مبدأ و حقیقت آفرینش است. آدمی با دعا راهی به سوی معشوق خود می‌یابد؛ معشوق راستین جهان... او به آرزوی اجابت خواهش و تمنای خود دست نیاز به سمت محبوب دراز می‌کند و در آستان او سر به سجده می‌نهد و «خودی» خود را به کناری می‌نهد تا به «الوهیت» برسد و اینجاست که اوج بندگی جلوه‌گر می‌شود. دعا یک آغاز است؛ آغازی که فرجام آن اجابت است. دعا یک حرکت است؛ حرکتی به سوی نور و روشنایی...

حرکتی که باید از طرف بنده آغاز شود تا شایسته عنایت و بذل توجه رب خویش قرار گیرد و... آنگاه لحظه استجابت فرامی‌رسد.

با در نظر گرفتن نکات فوق می‌توان گفت که دعا از اساسی‌ترین عوامل رشد معرفت انسانی به واقعیت‌های پشت پرده طبیعت است (ر.ک؛ حیدریان، ۱۳۹۳: ۶۳ و غلامی و خوشناموند، ۱۳۹۳: ۱۱۳). در هر دعایی که یک انسان آگاه می‌نماید، ارتباط تازه‌ای با کمال و مبداء کمال حاصل می‌شود و بدان سبب که آدمی در حالات دعا و نیایش که جدی‌ترین حالات زندگی است، اتصاف با بهترین صفات، ملکات و اخلاق فاضله را درخواست می‌نماید. لذا می‌توان گفت: دعا همواره انسان را در این معبد بزرگ دنیا که برای ناآگاهان، تنها جای خور و خواب و خشم و شهوت است، در حال تعلم حقایق و واقعیت‌های موجب رشد و کمال نگه می‌دارد. بنابراین، اگر کسی معنای دعا و نیایش را بفهمد، همین جهان هستی در عین حال که معبدی بزرگ است، دانشگاهی می‌شود که برترین دروس را درباره «آنچه که انسان هست» و «انسان آنچه‌ان که باید و شاید» به وی تعلیم می‌دهد. نخستین سازندگی دعا که در یک انسان آگاه به وجود می‌آید، این است که وی را به نیاز قرار گرفتن در جاذبه کمال آگاه می‌سازد و آنگاه او را در جاذبه مزبور قرار می‌دهد (ر.ک؛ انصاریان، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۰-۱۲).

بعد از واقعه عاشورا باید گفت:

«از آنجا که در زمان امام چهارم^(ع) شرایط اختناق حکم فرما بود، امام بسیاری از اهداف و مقاصد خود را در قالب دعا و مناجات بیان می‌کرد. مجموع دعاهای امام سجاد^(ع) به نام صحیفه سجادیه معروف است که پس از قرآن مجید و نهج البلاغه، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین گنجینه گرانبهای حقایق و معارف الهی به شمار می‌رود، به طوری که از ادوار پیشین از طرف دانشمندان برجسته ما اخت‌القرآن، انجیل اهل بیت^(ع) و زبور آل محمد^(ص) لقب گرفته است» (پیشوایی، ۱۳۹۳: ۲۸۱).

ویلیام چیتیک (William Chittick)، دانشمند آمریکایی نیز در مقدمه ترجمه صحیفه سجاده به کاربردی بودن آن تصریح کرده، می‌گوید: «صحیفه آموزه‌هایی را ارائه می‌دهد که در سطوح مختلفی، از خداشناسی (در گسترده‌ترین مفهوم آن) گرفته تا مسائل اجتماعی کاربرد دارند» (ر.ک؛ چیتیک، ۱۳۸۴: مقدمه). از میان دعا‌های موجود در صحیفه سجاده، دعای بیست و پنجم است که درباره تربیت فرزند می‌باشد و حضرت در این دعا تجویزهای خاصی را برای والدین و نیز مریدان ارائه نموده‌اند (ر.ک؛ ممدوحی، ۱۳۸۱: ۱۲۵). از این رو، پژوهش حاضر می‌کوشد تا به این سؤالات پاسخ دهد: نیایش امام سجاده^(ع) در این دعا چه نکات و مدل‌های تربیتی دارد؟ استراتژی‌های کاربرد آن‌ها در طراحی برنامه درسی معارف اسلامی کدامند؟

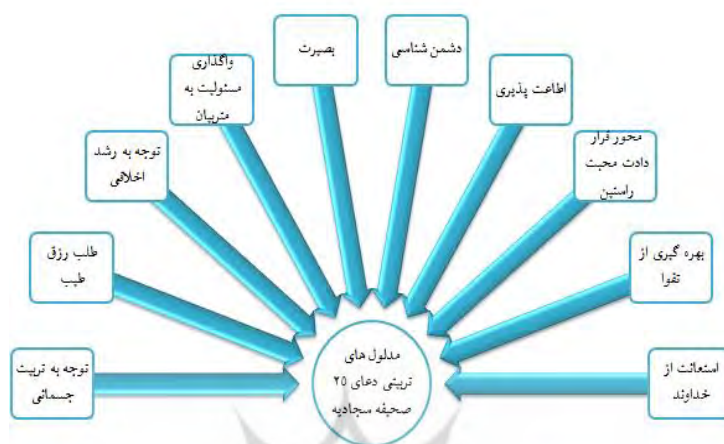
در راستای پاسخ به سؤالات فوق، بررسی سوابق پژوهشی حاکی از آن است که تاکنون تحقیق خاصی به این امر نپرداخته‌است. اما مطالعاتی مانند «امام سجاده^(ع)، صحیفه سجاده و نظام تربیتی اسلام» (قیوم‌زاده، ۱۳۹۴)، «تربیت در صحیفه سجاده» (ایران‌منش، ۱۳۹۴)، «بررسی تربیت دینی و اخلاقی از منظر صحیفه سجاده» (صادقی و مرعشی، ۱۳۹۳)، «شیوه‌های تعلیم و تربیت از منظر امام سجاده^(ع) با تکیه بر صحیفه سجاده» (نادری و همکاران، ۱۳۹۲)، «تبیین اهداف، اصول و روش‌های تربیت دینی در صحیفه سجاده» (شهبازی، ۱۳۹۱)، «بررسی مبانی تربیت اجتماعی از دیدگاه امام سجاده^(ع) در صحیفه سجاده» (ملاسلمانی و دیگران، ۱۳۸۹)، «درس‌های صحیفه» (محمدی اشتهاردی، ۱۳۸۹)، «مبانی تربیت از نگاه امام سجاده^(ع)» (صفایی مقدم، ۱۳۸۶)، «بررسی نظام تربیتی صحیفه سجاده» (ابراهیمی فر، ۱۳۸۵)، «انسان و تربیت از منظر صحیفه سجاده» (مرزوقی، ۱۳۸۴) و «رهیافتی به نظام تربیتی اسلام از نگاه صحیفه سجاده» (میرشاه‌جعفری، مقامی، ۱۳۸۴) در وجه کلان تربیتی ملاحظه می‌شود که با محوریت صحیفه سجاده به رشته تحریر درآمده‌اند.

با توجه به سؤالات پژوهش، روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی است. بر این اساس، ابتدا به کمک فرم‌های فیش‌برداری از اطلاعات، متن و ترجمه دعای بیست و پنجم کتاب صحیفه سجادیه و نیز شروح و مستدرکات موجود (به عنوان نمونه، ر.ک؛ حرّ عاملی، ۱۴۲۱ ق؛ کبیر مدنی شیرازی، ۱۴۰۹ ق؛ انصاریان، ۱۳۸۱ و فیض‌الإسلام، ۱۳۷۹)، تحلیل محتوایی شده، با شیوه‌های کیفی مورد جمع‌بندی قرار گرفته است و آنگاه بر اساس تجارب محققان^۳ توصیه‌هایی برای کاربرد این مدلول‌ها در طراحی برنامه‌درسی معارف اسلامی پیشنهاد شده است.

۱. مدلول‌های تربیتی دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه

صحیفه دانشگاهی است که استاد و مدرس آن امام سجاده^(ع)، موضوع آن عرفان و حقیقت آن، نفی هر چیز غیر از خداوند، به هر طریق ممکن و در بر دارنده عناصری مانند نیاز، عشق، آگاهی و خودشناسی و مبارزه است. در این کتاب، مباحث فراوانی درباره انسان و چگونگی تربیت عرفانی و الهی وی به صورت تلویحی و تصریحی مطرح شده است (ر.ک؛ مرزوقی، ۱۳۸۴: ۹۱). در ادامه، مدلول‌های تربیتی دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه در قالب ۱۰ عنوان به صورت شکل شماره ۱ تبیین می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۱: مدل‌های تربیتی دعای بیست و پنجم صحیفه سجاده

۱-۱. استعانت از خداوند

اولین نکته‌ای که از خود دعا برداشت می‌شود، اهمیت و تأثیر دعا برای افراد است. در این باب، باید افزود که مربی در نظام آموزش و پرورش اسلامی نباید خودش را علت تامه تربیت بداند، بلکه باید به ربوبیت تکوینی خداوند توجه داشته باشد و بداند که هدایت به دست خداست: **إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ**؛ (ای پیامبر)، همانا تو نمی‌توانی هر که را دوست داری، هدایت کنی، بلکه خداوند هر که را بخواهد، هدایت می‌کند (القصص / ۵۶). از سوی دیگر، خودش را بی‌اثر و بی‌تکلیف نداند که دلایلی نظیر **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ**؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خود را از آتشی که هیضم آن مردم (گناهکار) و سنگ‌ها هستند، حفظ کنید (التحریم / ۶)، بر وجوب و اهمیت تربیت دلالت دارند. لذا امر تربیت و ارشاد متریان باید کاملاً مورد کنترل، نظارت و نظم قرار گیرد تا بر اساس یک نظام مشخص، افرادی وظیفه تربیت را بر عهده بگیرند. بر اساس

همین ضرورت، حضرت در دعای بیست و پنجم صحیفه از خداوند در امر تربیت فرزندش کمک می‌خواهد: «أَعْنِي عَلَى تَرْبِيَتِهِمْ وَتَأْدِيبِهِمْ، وَبِرَّهُمْ: مرا در تربیت و ادب کردن ایشان و مهربانی در حق آن‌ها یاری فرما». نه اینکه کلاً آن را به خدا بسپارد و خود را مسئول نداند.

به فرموده حضرت سجاده^(ع) در این دعا، یکی از اهمیت‌های استعانت و درخواست از خدا وقتی است که پروردگار به واسطه علم بی‌کرانش مصالحی را به نفع ما می‌داند که خود ما از آن‌ها اطلاع نداریم: «أَمُنُّ عَلَى كُلِّ مَا يُصَلِّحُنِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي مَا ذَكَرْتُ مِنْهُ وَ مَا نَسِيتُ، أَوْ أَظْهَرْتُ أَوْ أَخْفَيْتُ أَوْ أَعْلَنْتُ أَوْ أَسْرَرْتُ: تمام آنچه که در دنیا و آخرت به صلاح من است، مرحمت فرما؛ چه آن‌ها را خواسته و چه فراموششان کرده باشم و چه آشکارا و علنی و چه مخفیانه و پوشیده از تو خواسته‌ام». اگر این علم و رحمت خدا به مرتبی منتقل شود و مرتبی به آن ایمان بیاورد، آرامشی در او ایجاد می‌کند که دیگر در ناملایمات روزگار پریشان نمی‌شود. در روایات، دعای مربی به عنوان برادری مؤمن در حق مرتبی از موارد استجاب دعا شمرده شده است و این گونه آن‌ها را به استعانت از خداوند تشویق می‌نماید: «خَمْسُ دَعَوَاتٍ لَّا يَحْجَبَنَّ عَنِ الرَّبِّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى دَعْوَةُ الْإِمَامِ الْمُسْطَبِّ وَ دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَأَنْتَقِمَنَّ لَكَ وَ لَوْ بَعْدَ حِينٍ وَ دَعْوَةُ الْوَالِدِ الصَّالِحِ لِوَالِدِيهِ وَ دَعْوَةُ الْوَالِدِ الصَّالِحِ لِوَالِدِهِ وَ دَعْوَةُ الْمُؤْمِنِ لِأَخِيهِ بَطْنِ الْغَيْبِ فَيَقُولُ وَ لَكَ مِثْلُهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۵۰۹)؛ یعنی «پنج دعا هست که از پروردگار مخفی نمی‌ماند (یعنی اجابت می‌شود): دعای امام و رهبر عادل، دعای مظلوم که خداوند متعال می‌فرماید حتماً انتقامت را خواهم گرفت، هرچند بعد از گذشت مدتی، دعای فرزند صالح برای پدر و مادر صالح برای فرزند، دعای مؤمن برای برادر مؤمن در پشت سرش که خداوند متعال می‌فرماید برای تو هم مثل آن خواهد بود». مربی نباید فراموش کند از طریق ارائه الگو، اعمال خود و دیگر روش‌ها مرتبی را پرورش دهد تا در همه کارهایش از خداوند استمداد جوید و به او توکل کند.

همچنین، مفاهیم و صفاتی که در حال معنوی دعا، یعنی لذت‌بخش‌ترین حالات، به زبان دعا ذکر می‌شود، متربی را به سمت آن صفت می‌کشاند و چگونه شخصی عمری خدا را به زبان خود یا از زبان مریی خویش، «عَفُوٌّ غَفُورٌ رَّءُوفٌ رَّحِيمٌ» بخواند و او را بخشنده‌ای مهربان بداند و به این صفات خدا تمسک جوید، ولی ذره‌ای به سمت این صفات میل نکند و به آن‌ها متصف نشود.

۲-۱. بهره‌گیری از تقوا

محققان این مقاله برآنند که حضرت سجاد^(ع) در این دعا برخی از مدل‌های تربیتی را چنین معرفی نموده‌است: «وَأَجْعَلُهُمْ أَبْرَارًا أَتْقِيَاءَ بُصْرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ: و آن‌ها را نیکانی پرهیزکار با بصیرت و شنوندگانی فرمانبردار برای خودت قرار ده» و «السَّاكِنِينَ فِي جِوَارِكَ: در جوار رحمت تو ساکن هستند» را به عنوان هدفی والا در نظر می‌گیرند. تقوا و شنوایی داشتن از اوامر و نواهی الهی بدون شک محصول ایمان به خدا و روز قیامت و نیز معرفت داشتن به قرآن و اهل بیت^(ع) است و این برای متربیان در کنار برنامه‌های تربیتی والدین در خانواده‌ها، از طریق برنامه‌های درسی معارف اسلامی فراهم می‌آید. با توجه به اینکه حضرت بیشتر افراد در تربیت به مسائل دنیایی توجه دارند، بیشترین قسمت دعا را حول مسائل معنوی مانند تقوا قرار می‌دهند و به مریبان پیام می‌دهند که نباید هدف خلقت را فراموش کرد و باید به فکر سرانجام متربی بود و توجه اصلی را معطوف به حقایق این عالم و آنچه باقی می‌ماند (در مقابل کائنات فانی) نمود و دل‌کندن از مادیات، داشتن تقوا و رسیدن به قرب الهی نیاز به صبر و مخالفت هوای نفس دارد: **مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنْجَزِينَ الدِّينَ صَبْرًا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ**: آنچه نزد شماست، به پایان می‌رسد و آنچه نزد خداست، باقی و پایدار است و کسانی که صبر پیشه کردند، همانا مزدشان را بر پایه نیکوترین کاری که می‌کردند، پاداش خواهیم داد (النحل / ۹۶). تقوا به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر تربیت، تأثیرهای بسیار وسیع و گسترده‌ای در

زندگی دنیوی و حیات اخروی متریان دارد و همین امر موجب گردیده تا این عنصر با ارزش مورد اهتمام جدی امام سجاده^(ع) قرار گیرد. شکوفایی عقل، پرورش اراده، دستیابی به علم و حکمت، موفقیت در برابر سختی‌ها، جلب محبت و ولایت خداوند، سلامت جهانی، تسلط بر نفس و آمرزش گناهان از جمله این آثار قلمداد می‌شوند (ر.ک؛ حسنی، ۱۳۸۹: ۸۵).

۳-۱. محور قرار دادن محبت راستین

حضرت در ارتباط با حرکت به سوی حب راستین می‌فرماید: «اللَّهُمَّ... اجْعَلْهُمْ لِي مُحِبِّينَ: الهی آنان را چنان قرار ده که مرا دوست بدانند». در این زمینه، باید گفت که تربی در محیط‌های اجتماعی، مانند مدرسه و کلاس درس به محبت دیدن و محبت کردن نیاز دارد و تنها تربیانی که از رشد عاطفی مطلوبی در فرایند تربیت برخوردار شده‌اند، توانایی ابراز محبت را دارند. اساساً رسیدن به این کمال از راه تربیت عاطفی میسر است. تربیت عاطفی به معنای یاری‌رسانی برای رشد عواطف انسانی است؛ یعنی هدف این است که عواطف تربی به گونه‌ای رشد یابد که بتواند به‌خوبی به خود، خدا، دیگران و طبیعت توجه محبت‌آمیز داشته باشد و اقدامات تربیتی آگاهانه و برنامه‌ریزی‌شده‌ای را به انجام رساند (ر.ک؛ اعرافی، ۱۳۹۳: ۱۰۵). پس این درخواست حضرت اقداماتی می‌طلبد؛ از جمله محبت به تربی که در روایات دیگر معصومین^(ع) نیز به آن تأکید فراوانی شده است: «إِنَّ اللَّهَ لَيُرْحَمُ الْعَبْدَ لَشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَا ذَلِكَ» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۱۹)، «أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ» (همان: ۲۲۳) و «إِرْحَمُوهُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶: ۴۹). اما این مطلب زمانی حساس تر می‌شود که با این دسته روایات برخورد می‌کنیم: «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ: آیا دین غیر از محبت و دوستی است؟» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۶: ۱۷۱). از مجموع روایات مذکور و نیز آیه ۳۱ سوره آل عمران که می‌فرماید: «أَقْلُ إِن كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» به وضوح درک می‌شود که ایجاد محبت خدا در دل تربی از جدی‌ترین

مباحث تربیتی است. امام^(ع) در ادامه می‌فرماید: «لِأَوْلِيَائِكَ مُجِبِّينَ: فرزندانم را دوستانی خیرخواه برای اولیاءت قرار ده». ایشان در ارتباط با دوست داشتن دیگران، حتی پیروان راستین خود و فرزندانشان را هم دعا می‌کنند: «اللَّهُمَّ أَعْطِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي وَلِوَلَدِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا وَآجِلِ الْآخِرَةِ: الهی به تمام مردان و زنان مسلمان و باایمان، مانند آنچه که برای خود و فرزندانم در این دنیا و جهان آخرت خواستم، عطا کن». حضرت سجاده^(ع) توجه می‌دهند که تربی را باید چنان تربیت کرد که نسبت به امور همه مسلمانان اهتمام داشته باشد و مصالح مادی و معنوی آن‌ها را در نظر بگیرد، نه اینکه فقط به دنبال منافع خود باشد.

خداوند برای تشویق به این امر مزد چنین شخصی را استجابت همان دعا برای خودش قرار داده است: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ دَعَا لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ إِلَّا رَدَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ مِثْلَ الَّذِي دَعَا لَهُمْ بِهِ، مِنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ مَضَى مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ أَوْ هُوَ آتٍ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: هیچ مؤمنی نیست که از برای مردان مؤمن و زنان مؤمنه دعا کند، مگر آنکه خدای تعالی بر او برگرداند؛ مثل آنچه را که به آن از برای ایشان دعا کرده، از هر مرد مؤمن و زن مؤمنه‌ای که در گذشته از اول دنیا، یا کسی که آینده است تا روز قیامت» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۵۰۷). البته حضرت به این نکته نیز اشاره می‌کند که داشتن حُب صرف کافی نیست و مؤمن باید نسبت به دشمنان خداوند بغض داشته باشد و با آن‌ها دشمنی کند: «لِجَمِيعِ أَعْدَائِكَ مُعَانِدِينَ وَ مُبْغِضِينَ: فرزندانم را دشمنان سرسختی برای همه دشمنانت قرار ده». پس با توجه به این وظیفه، مربیان موظف به ایجاد و تثبیت تعمیق چنین محبتی در دل متربی‌ها هستند که مطمئناً (به دلیل قلبی بودن محبت) نیاز به زمینه‌چینی می‌باشد (ر.ک؛ اعرافی، ۱۳۹۳: ۱۲۴).

حُب اهل بیت^(ع) و بغض دشمنان ایشان یکی از موارد مهم تربیتی می‌باشد که واکسینه کردن اندیشه متربی‌ها در این باب ضروری است. بسیاری از سفارش‌های اخلاقی و تربیتی روایات ما جنبه پیشگیری دارد و مانند واکسن عمل می‌کند تا فکر متربی را از دوران

کودکی در برابر انواع انحرافات و مفاسد بیمه کند؛ از جمله به مربیان سفارش کرده‌اند که متربیان خود را بر محبت اهل بیت^(ع) تربیت کنید. پیامبر اکرم^(ص) می‌فرمایند: «أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثَةِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ وَحُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ...: فرزندان خود را به سه خصلت تربیت کنید: محبت پیامبرتان و محبت اهل بیت او و خواندن قرآن» (متقی الهندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۶: ۴۵۶). بسیاری از تأکیدهایی که بر محبت اهل بیت^(ع) در برخی آیات و روایات آمده، به این دلیل است که علاقه‌مندی به هر چیزی و هر شخصی نقش و تأثیر بزرگی در زندگی او دارد و آثار و نشانه‌هایی از آن در دنیا و آخرت نمایان می‌شود؛ یعنی الگو بودن هر موجودی برای متربی، تفکر و رفتار او را می‌سازد و او با همان الگو در قیامت محشور می‌شود (ر.ک؛ انصاریان، ۱۳۸۱، ج ۹: ۳۱۹-۳۲۱).

همچنین، اهمیت استفاده از محبت از این روست که محبت اطاعت‌آور است و سبب همراهی متربی می‌شود (ر.ک؛ باقری، ۱۳۹۵). میان محبت و اطاعت رابطه‌ی معیت وجود دارد و با ظهور محبت، اطاعت و همرنگی پیدا می‌شود و تغییر و تحولی که در نتیجه این امر ایجاد می‌شود، بسیار ژرف و عمیق است؛ زیرا رابطه‌ی میان محب و محبوب مورد توجه است. انس با پروردگار، اشتیاق به سوی خداوند، رضا به قضای الهی و جلب محبت خداوند، آموزش گناهان، وصول به زیباترین نیکی‌ها، حشر با اهل بیت^(ع) در قیامت و رسیدن به مقام شهید از برکات محبت به ائمه معصوم^(ع) است (ر.ک؛ سمایی، ۱۳۸۵: ۶).

۴-۱. اطاعت‌پذیری

در فرازی دیگر از این دعا، امام سجاده^(ع) از خداوند یکتا درخواست می‌کند که فرزندانش «مُطِيعِينَ، غَيْرَ عَاصِينَ: فرمانبرداری نمایند و نافرمانی و عصیان نکنند». برای داشتن متربیانی مطیع باید تدابیری همانند محبت و احترام و نیز داشتن روش آموزش مقتدرانه را به عنوان راهبرد مورد استفاده قرار داد. در این زمینه، قرآن کریم حد اطاعت از والدین را به عنوان اولین مربیان فرد شرک خدا می‌داند: **وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ إِنَّكَ بِنُورِهِ**

حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا: و به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادر خود نیکی کند و اگر آن دو کوشیدند تا چیزی را که بدان علم نداری، شریک من سازی، از ایشان اطاعت نکن O (العنکبوت / ۸). علت این همه توجه به اطاعت در تربیت چیست؟ یکی از فلسفه‌های تربیتی آن اثری است که در ولایت‌پذیری دارد؛ یعنی اطاعت مربی، تمرینی برای اطاعت از خدا و ولی خداست. پس مریدان نه برای خود، بلکه برای ولایت‌پذیری متربیان باید آنان را مطیع ولی بار بیاورند تا بهترین فرمانبر برای ولی و امام خویش باشد؛ به عبارت دیگر، مربی که از تمام دستوره‌های مربی خود با وجود ضعف‌هایی که دارند، تبعیت کند، آمادگی این را دارد که سربازی مطیع برای خدا یا ولی او باشد که انسانی کامل است.

با توجه به اهمیت روش محبت در ایجاد اطاعت که در بالا اشاره شد، خداوند در تربیت انسان، محبت را به عنوان پیوندی محوری به کار می‌گیرد: II فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ...: خداوند قومی را در آینده خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند O (المائده/۵۴). این نشان می‌دهد که ابراز محبت مربی به دل‌بستگی مربی جهت می‌دهد و حاصل آن، ظهور شیفتگی عمیق در مربی نسبت به مربی است که می‌توان با ابراز محبت فرد را به اطاعت و انجام برخی کارها و با منع محبت، او را به ترک اعمالی برانگیخت.

۵-۱. دشمن‌شناسی (شناخت شیطان)

شناخت دشمن از مهم‌ترین مسائل تربیتی است. اگر مربی بداند چه خطرات و آسیب‌هایی در کمین مربی است، بهتر می‌تواند برنامه‌ریزی کند و مربی را آماده کند. همین مسئله درباره‌ی مربی هم صادق است. چنان‌که اشاره شد، دوری از دشمن خدا آن قدر اهمیت دارد که علاوه بر عدم تبعیت باید مورد بغض و کینه مؤمن قرار بگیرد. دشمن‌شناسی، به‌ویژه شناخت شیطان به عنوان اولین و مهم‌ترین دشمن انسان به‌شدت

مورد اهتمام حضرت سجاد^(ع) بوده است، به طوری که در دعای هفدهم به صورت خاص به همین موضوع پرداخته شده است.

طبق حکم عقل سالم، انسان از دشمن خطرناکی که به هیچ موجودی رحم نمی‌کند و قربانیانش در گوشه و کناری بر خاک هلاکت افتاده، سخت پرهیز کند. قرآن تأکید می‌کند که حساب شیطان و همکارانش از سایر دشمنان جداست، او و همکارانش شما را می‌بینند، در حالی که شما آن‌ها را نمی‌بینید. به راستی باید در برابر چنین دشمن ناپیدایی که لحظات حمله او را نمی‌توان با دقت پیش‌بینی کرد و همیشه آماده دفاع بود. نکته دیگر اینکه دعوت‌های شیطان هرگز اختیار و آزادی اراده را از انسان نمی‌گیرد، بلکه او یک امیددهنده‌ای بیش نیست، ولی انسان با علاقه و میل خود زمینه‌های قبلی و پیوستگی به خواسته‌های او را فراهم می‌سازد. از دیدگاه تربیتی، همان گونه که تربیت انسان مرحله به مرحله تکامل پیدا می‌کند، انحراف او هم درجه به درجه در وجودش نفوذ می‌نماید و تمام دستگاه‌های شیطانی و ابزار و یاران او برای پیاده کردن نقشه‌های شوم او از روش «خطوات» قدم به قدم بهره می‌گیرند (ر.ک؛ انصاریان، ۱۳۸۱، ج ۹: ۳۳۰-۳۳۴).

پس مربی باید شیطان و حیل‌های او را بشناسد و آن‌ها را به مرتب‌بشناساند و در این راه، از روش‌های مختلف بهره ببرد، همان طور که قرآن کریم با بیان داستان خلقت او را به ما معرفی می‌کند. قرآن شیطان را دشمنی معرفی می‌کند که اگر ما او را فراموش کنیم، او ما را فراموش نمی‌کند؛ زیرا به نام خداوند قسم یاد کرده که انسان‌ها را اغوا کند: **إِنَّا قَالِ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ**: ابلیس گفت: به عزت تو سوگند که همه مردم را گمراه خواهم کرد (ص / ۸۲).

از جمله حیل‌هایی که حضرت در این دعا به ما معرفی کرده است: ایمنی از عذاب خدا، «يَوْمِنَّا عِقَابُكَ: ما را از عذاب تو ایمنی می‌دهد»، ترس از غیر خدا: «يُخَوِّفُنَا بِغَيْرِكَ: ما را از غیر تو می‌ترساند»، دلیر کردن بر گناه: «إِن هَمَمْنَا بِفَاحِشَةٍ شَجَعْنَا عَلَيْهَا: اگر قصد کار خلافی کنیم، ما را بر آن دلیر می‌کند»، بازداشتن از کار خوب: «إِن هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ

تَبَطَّنَا عَنْهُ: اگر بخواهیم عملی صالح انجام دهیم، ما را بازمی‌دارد»، ایجاد شبهه: «يُنْصِبُ لَنَا بِالشُّبُهَاتِ: بنای شبهه‌ها را برای ما برپا می‌کند» و وعده دروغ: «إِنْ وَعَدْنَا كَذَبْنَا: اگر به ما وعده دهد، عمل نکند».

اما نکته دیگری که حضرت توجه می‌دهد، پناه بردن به خدا از شر شیطان است: «أَعِذْنِي وَ ذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ: الهی من و فرزندانم را از شیطان رانده‌شده پناه بده». انسان باید با یاد خدا از شیطان دوری کند و فریب او را نخورد، ولی نباید خود را مستقل و توانا بر دوری از او بداند، بلکه به خدا پناه ببرد و برای این منظور همواره دعا کند: «اللَّهُمَّ فَاقْهَرُ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِكَ حَتَّى تَحْبِسَهُ عَنَّا بِكَثْرَةِ الدُّعَاءِ لَكَ فَنُصْبِحَ مِنْ كَيْدِهِ فِي الْمَعْصُومِينَ بِكَ: الهی با سیطره‌ات، تسلطش را از ما رفع فرما تا به سبب زیادی دعاهایمان، او را از ما بازداری و با عتایت تو به بی‌گناهان و محافظت‌شدگان از فریب او پیوندم».

۶-۱. بصیرت

حضرت سجاده^(ع) یکی از اهداف تربیتی را بصیرت (اجْعَلْهُمْ... بُصْرَاءً) می‌داند. حلقه مفهومی میان علم-ایمان از سویی و عمل از سویی دیگر، حصول قوه‌ای به نام بصیرت است. بصیرت به معنای معرفتی مبتنی بر معیارهای دینی است که در متری توانایی تشخیص، تمیز، قضاوت و گزینش را پرورش می‌دهد و سبب می‌شود تا فرد خدا را به عنوان تنها ربّ خویش انتخاب کند و در مسیر ربوبی شدن قرار گیرد (ر.ک؛ رحیمی، ۱۳۸۹: ۳۸۸). تعریف بصیرت خود نشانگر اهمیت وجود این شاخصه در تک‌تک افراد جامعه اسلامی، به‌ویژه در نخبگان و خواص جامعه می‌باشد، به طوری که بارها «لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَالصَّبْرِ: این پرچم مبارزه را جز افراد آگه، بصیر و بااستقامت به دوش نمی‌کشند» (نهج‌البلاغه / خ ۱۷۳) را از زبان امام و رهبر جامعه شنیده‌ایم و وصفی است که حضرت امام باقر^(ع)، ابوالفضل العباس^(ع) را با آن معرفی می‌فرمایند: «كَانَ عَمَّنَا

العَبَّاسُ نَافِذُ الْبَصِيرَةِ: عمومی ما عباس، انسانی هوشمند و ژرف‌نگر بود» (ابن‌نما حلی، ۱۳۸۰: ۲۵۴).

مری باید زمینه بصیر بار آمدن متریان را در محیط‌های آموزشی فراهم آورد و بخشی از وقت خود را برای پاسخ دادن به پرسش‌های مذهبی و اعتقادی آنان اختصاص دهد و آنان را با معارف اسلامی آشنا سازد. اگر معارف حقیقی دین به شیوه اثربخش به متریان آموزش داده شود، از کجروی‌ها و انحرافات فکری جلوگیری می‌کند و ضامن سلامت روانی و جسمی آنان خواهد بود. در حقیقت، توجه به بصیرت در فرایند تربیت اسلامی موجب ارتقای معنوی و اخلاقی و نیز تدین عملی متریان می‌شود و باعث می‌گردد آنان در راه تحقق احیای تفکر دینی، غلبه حق بر باطل و حاکمیت ارزش‌های اسلامی تلاش مجدانه داشته باشند و علیه باطل مبارزه کنند.

۷-۱. واگذاری مسئولیت به متریان

«اللَّهُمَّ وَ مَنْ يَأْتِنَاعِي بِهِمْ وَاللَّهُمَّ أَشَدُّ بِهِمْ عَضْدِي: الهی با بهره‌مندی از آنان بر من منت گذار و به وسیله آن‌ها بازویم را محکم کن». با توجه به این عبارات، به نظر می‌آید استفاده و کمک گرفتن و به کار گرفتن متربی در تربیت، مذموم نیست و اثرات مفید زیادی هم دارد و در راستای اهداف تربیت اقتصادی و اجتماعی، مانند شناخت فنون، تقویت حس تعاون، عمل به مسئولیت‌های اجتماعی، مشارکت فعال در فعالیت‌های اجتماعی، انتخاب شغل، داشتن وجدان کاری، بیزاری از تنبلی می‌باشد (ر.ک؛ فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۳۹۰: ۲۵۰). در بعضی روایات معصومان^(ع)، فرزندان و خانواده به عنوان وزیر، مشاور و خدمتگزار در زندگی تعیین شده‌اند. امیرالمؤمنین علی^(ع) می‌فرماید: «يُرْخَى الصَّبِيُّ سَبْعًا وَيُؤَدَّبُ سَبْعًا وَيَسْتَحْدَمُ سَبْعًا...: کودک هفت سال آزاد، هفت سال در تربیت است و هفت سال به کار گمارده می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰۱: ۹۶)؛ زیرا فرزندان در سنین بلوغ و جوانی صاحب نیرو و توان بدنی و فکری بالایی هستند و

می‌توانند در جاده حق و حقیقت یا در راه گناه و فساد قدم‌های بزرگی بردارند و بازوی قدرتمند برای خانواده و جامعه باشند. بنابراین، باید متریبان نوجوان و جوان را دریابیم که آنان الگویی برای آیندگان بشر خواهند بود. البته اینکه شرایط و ویژگی‌های آن چگونه است، بحث مفصلی می‌طلبد، اما اجمالاً می‌توان با توجه به روایات، هفت سال اول را تخصیص زد و کارهای سخت و مشقت‌بار را هم که خارج از توان متربی می‌باشند، خارج کرد.

به طور کلی، مسئولیت دادن به متربی نه تنها موجب انجام بهتر و صحیح امور می‌شود، بلکه جلب اعتماد دیگران را نیز در پی دارد و میزان اعتبار اجتماعی متربی را نیز ارتقا می‌بخشد. متربی مسئولیت‌پذیر ارزشمند بودن و عزت نفس را همواره در وجود خود احساس می‌نماید و به دلیل کسب اعتبار اجتماعی از جایگاه برجسته‌تری نسبت به دیگران برخوردار می‌شود و مسیر ترقی و پیشرفت را سریع‌تر طی می‌کند (ر.ک؛ نجفیان و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۳۵).

۸-۱. توجه به رشد اخلاقی

رشد اخلاقی در دین مبین اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد، به طوری که در سوره مبارکه شمس، خداوند متعال پس از یازده سوگند متوالی می‌فرماید: **II قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْهَا:** هر کس که نفس خود را تزکیه کرد، قطعاً رستگار شد * و آن کس که نفس خود را با معصیت و گناه آلوده ساخت، محروم و ناامید شد. O. این آیات اهمیت و ضرورت این امر مهم را می‌رساند. پرداختن به رشد اخلاقی متربی ضروری است؛ زیرا معمولاً میان خواسته‌ها و امیال متعدد او و نیز نیازهای اخلاقی و معنوی وی تعارض صورت می‌گیرد و چون انسان موجودی انتخاب‌گر است، لذا در این تعارض‌ها مجبور به انتخاب است. بنابراین، رشد اخلاقی متربی امری ضروری است و اگر جدی گرفته نشود، در این کشمکش‌ها غالباً تمایلات نفسانی بر جنبه‌های اخلاقی چیره می‌شوند. لذا رشد

اخلاقی از سه جنبه آرامش روانی فرد، آرامش اجتماعی و رسیدن به کمال مطلوب الهی برای متریان ضروری به نظر می‌رسد (ر.ک؛ فقیهی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴). پرورش اخلاقی باید از دوران کودکی قبل از اینکه دل سخت شود، آغاز شود؛ چنانچه امام علی (ع) در خطبه ۳۱ نهج البلاغه به امام حسن (ع) چنین می‌فرماید: «فَبَادِرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَشْسُوَ قَلْبُكَ: بر تربیت تو مبادرت کردم، قبل از اینکه دل تو سخت گردد و عقل تو به چیز دیگری مشغول شود».

امام سجاد (ع) در ارتباط با رشد اخلاقی متربی در دعای بیست و پنجم صحیفه می‌فرماید: «أَصِحَّ لِي ... أَخْلَاقُهُمْ: اخلاق ایشان را سلامت بدار». برای درک مفهوم اخلاق باید اشاره کرد که استادان این علم، اخلاق را بر سه دسته کلی تقسیم کرده‌اند: ۱- اخلاق الهی: کارهایی است که انسان در ارتباط با خدا انجام می‌دهد؛ مانند امید به خدا و خوف از خدا. ۲- اخلاق فردی: رفتارهایی است که اصالتاً به خود انسان مربوط می‌شود، هرچند که ثانیاً و بالعرض، رابطه با خدا یا دیگران نیز در آن لحاظ شود؛ مانند عواطف و احساسات. ۳- اخلاق اجتماعی: کارهایی است که انسان در ارتباط با دیگران انجام می‌دهد؛ مانند خوش اخلاقی (ر.ک؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۹). بنابراین، اخلاق شامل همه صفات و افعال اختیاری انسان می‌شود و مربی وظیفه دارد متربی را در تمام این زمینه‌ها اصلاح کند، در حالی که متأسفانه بیشتر مربیان در یکی از این بخش‌ها تلاش می‌کنند؛ مثلاً چه بسیار افرادی که در ارتباط با دیگران، خانواده یا دیگر افراد اجتماع رفتار مناسبی از خود نشان نمی‌دهند و در این زمینه، مهارت‌آموزی و تربیت نشده‌اند، در حالی که در نظام تربیتی اسلام، اخلاق اجتماعی سهم بسزایی دارد. مربی مسئول تهذیب و هدایت اخلاقی، ایجاد روحیه مقاومت در برابر شداید، مسئول ایجاد عادات، اخلاق و صفات ارزنده، ادب و وقار متریان و پرهیز دادن از انحرافات است. همچنین، او باید برای متریان موجبات پاکی و عفت، ادب و وقار را فراهم سازد و زبان و اخلاق او برای آنان درس باشد.

۹-۱. طلب رزق طیب

بر اساس آموزه‌های اسلامی، کسب روزی حلال یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تربیت مطلوب و اثربخش شمرده شده است. امام سجاده^(ع) در این ارتباط از خداوند متعال چنین درخواست می‌کنند: «عَلَى يَدِي أَرْزَأَهُمْ... الْمَوْسِعَ عَلَيْهِمُ الرِّزْقُ الْحَلَالُ مِنْ فَضْلِكَ: به دست من روزی آن‌ها را پی در پی برسان... رزق حلال از احسان فراگیری بر آنان وسعت ده». در این عبارات، حضرت از خداوند می‌خواهد رزق فرزندانش به دست او زیاد شود. قرآن کریم درباره رزق و نعمت‌های گسترده خداوند بسیار سخن به میان آمده است؛ از جمله اینکه رزق هر جنبنده‌ای بر عهده خداست، سرچشمه و کلید روزی در آسمان است، مردم باید تلاش کنند و با رعایت تقوا به دنبال رزق بروند که تقوا از عوامل گشاینده و موجب توسعه رزق و روزی است. با اینکه رزق و نعمت الهی به گونه‌ای گسترده و فراوان در اختیار موجودات قرار گرفته است و هیچ موجودی جوینده و زنده‌ای از رزق خود بی‌نصیب نمی‌ماند، اما کمی و زیادی رزق و برکت به دست خداست و گشایش یا تنگی آن از شئون ربوبیت خداوند برای رشد و تربیت بشر است (ر.ک؛ انصاریان، ۱۳۸۱، ج ۹: ۳۱۵). البته انسان می‌تواند با دعا از خداوند طلب روزی بیشتر نماید، همان طوری که در دعای ابو حمزه ثمالی از لسان امام سجاده^(ع) چنین بیان شده است: «وَأَرْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا: (خدایا) از فضل و کرمت به من روزی وسیع، حلال و پاکیزه روزی فرما».

۱۰-۱. توجه به تربیت جسمانی

در آموزه‌های اسلامی، بدن انسان هدیه و امانتی الهی برای تکامل روح محسوب می‌شود. حفظ بدن از خطرها، آسیب‌ها، تقویت جسمانی و برقراری سلامت، تکلیف دینی و الهی است و در کلام معصوم^(ع) نیز بر این حقیقت تأکید شده است. سلامت و تربیت بدنی به عنوان عاملی اساسی و مؤثر در توسعه فردی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی

و اقتصادی است و ابزاری ضروری برای رشد و پرورش انسان‌های سالم و توانمند در دست‌یابی به ابعاد از حیات طیبه است (برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱: ۲۸). بنابراین، از جمله حقوق متریان در محیط‌های آموزشی، ایجاد زمینه‌های پرورش و کوتاهی نکردن در مراحل رشد جسمانی آنان است. امام سجاده^(ع) در بخش‌های زیادی از دعای بیست و پنجم صحیفه، امور جسمانی فرزندان خود را از خداوند درخواست نموده است: «اللَّهُمَّ وَ مَنْ عَلَى بَقَاءِ وُلْدِي... وَ زِدْ لِي فِي آجَالِهِمْ... وَ أَصِحِّ لِي أَوْلَادَهُمْ... وَ عَافِهِمْ فِي أَنْفُسِهِمْ وَ فِي جَوَارِحِهِمْ: الهی با بقای فرزندانم بر من منت گذار... و مدت زندگی ایشان را به خاطر من بیفزای... و جسم آنان را سلامت بدار... و در جسم و جانشان عافیت عطا کن». این عبارات راه را بر کسانی که مسیر تفریط و بی‌توجهی به جسم را می‌پیمایند، می‌بندد. امروزه روشن شده که برخی از بیماری‌های روانی منشاء بدنی دارد، همان‌طور که برخی از بیماری‌های جسمی منشاء روانی دارد. توجه به این تأثیرهای متقابل باعث می‌شود تا مربی در برنامه‌ریزی‌های تربیتی به هر دو جنبه توجه کند (ر.ک؛ صفایی مقدم، ۱۳۸۶: ۲۰۷). بنابراین، ملاحظه می‌شود که تربیت جسمانی مورد نظر امام سجاده^(ع) نوعی از تربیت است که با تکیه بر عمل و جسم می‌خواهد تربیتی را به اهداف تربیت برساند؛ یعنی خود فعالیت بدنی هدف نیست، بلکه وسیله‌ای است که آثار و نتایج آن بر روح و جسم تربیتی را در نیل به هدف غایی یاری می‌دهند.

۲. استراتژی‌های کاربرد مدل‌های تربیتی دعای بیست و پنجم صحیفه

سجادیه در طراحی برنامه درسی معارف اسلامی

برنامه درسی به عنوان هسته مرکزی نظام‌های آموزشی، نقش بی‌بدیلی در عملکردهای تربیتی داشته است. اواسط دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی، متخصصان برنامه درسی تلاشی در نظام‌اند کردن تمام نظریه‌ها با نگرشی متاتئوریک (فرانظریه‌ای) داشتند که حاصل آن سه نوع برنامه درسی قصد شده (Intended)، پنهان (Hidden) و

مغفول (Null) شد (۹: ۲۰۱۰: Shubert). از میان این سه نوع برنامه، برنامه درسی قصدشده شامل اهداف، سیاست‌ها، راهبردها و محتوایی است که نهادهای آموزشی آن را علناً اعلام می‌کنند و سعی دارند یادگیرندگان خویش را بر اساس یا از طریق آن تربیت کنند. در حقیقت، این نوع برنامه را می‌توان تبلور آمال و آرمان‌های تربیتی یک نهاد آموزشی دانست و مصداق اصلی آن، اسناد مکتوبی هستند که ما آن‌ها را کتب درسی می‌نامیم (ر.ک؛ صفایی موحد، ۱۳۹۴: ۱).

درباره اینکه برنامه درسی در معنای قصدشده آن از چه عناصر یا ابعادی تشکیل شده‌است، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد؛ برای مثال، کلاین (Kline) آن را پدیده‌ای نه‌بُعدی، اکر (Akker) آن را ده‌بُعدی و تایلر (Tyler) آن را چهاربُعدی می‌داند. در این میان، دیدگاه تایلر (۱۹۴۸م.) به دلیل تأثیرگذاری عمده در حوزه برنامه درسی بیشتر مورد توجه بوده‌است. به عقیده وی، برنامه درسی از چهار عنصر اصلی اهداف، محتوا، روش‌های یاددهی-یادگیری و ارزشیابی تشکیل می‌شود. در باب عنصر اول، یعنی اهداف باید گفت که اهداف آموزشی، اساس هر آموزش اثربخش را تشکیل می‌دهند. مادام که اهداف آموزشی تعیین نشده‌اند، نمی‌توان دوره را به طور منظم و مدون طراحی کرد تا به نتایج مورد نظر رسید. در واقع، تعیین اهداف در عین اینکه نشان‌دهنده نقطه مطلوب است، محرکی برای آغاز فعالیت‌ها به شمار می‌آید. هر فعالیتی، اعم از آموزشی و غیرآموزشی، اگر فاقد هدف باشد، راه به جایی نمی‌برد و یا اگر نتیجه‌ای دهد، فاقد کارایی و اثربخشی لازم است. لذا تعیین اهداف یکی از مهم‌ترین امور در هر امری است (ر.ک؛ امیری و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰۱). در این راستا، در فرایند تربیت، هدف را می‌توان وضع نهایی و مطلوبی تلقی کرد که آگاهانه سودمند تشخیص داده می‌شود و فعالیت‌های مناسب تربیتی برای تحقق آن انجام می‌پذیرد (ر.ک؛ درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۵).

عنصر بعدی در طراحی برنامه درسی قصدشده معارف اسلامی، محتواست. محتوای برنامه درسی در بر دارنده دانش‌ها، مهارت‌ها، فرایندها و ارزش‌هاست (ر.ک؛ ملکی، ۱۳۹۱: ۶۸) که دانش آموز در ضمن آموزش یا در فرایند یاددهی - یادگیری با آن در تعامل قرار می‌گیرد (ر.ک؛ نوریان، ۱۳۸۷: ۶۵). در انتخاب محتوا، توجه به مراحل رشد، نیازها، علایق و استعدادهای یادگیرنده، توجه به اصول و عوامل مؤثر بر یادگیری از جمله معیارهای مهم محسوب می‌شوند. محتوای برنامه از زوایای مختلف، اعم از نوع مضامین و مفاهیم مورد استفاده، چگونگی سازمان دهی، اهمیت و ارزش مطلب، تناسب محتوا با جنبه‌های مختلف رشد یادگیرنده و بالأخره، نوع اثری که بر یادگیرنده می‌گذارد، شایسته بحث و اهتمام جدی است.

عنصر سوم، روش‌های یاددهی - یادگیری است. این عنصر فرایند علمی و پیچیده‌ای است که از پیش به وسیله معلم برنامه‌ریزی و طراحی می‌شود و آنگاه به وسیله خود او در کلاس درس اجرا و پیاده می‌شود و هدف آن ایجاد تعامل و درگیری میان فراگیران با موضوعات و مطالب درسی مورد یادگیری است (ر.ک؛ شعبانی، ۱۳۹۳: ۹).

چهارمین عنصر در طراحی برنامه درسی قصدشده معارف اسلامی، ارزشیابی است. ارزشیابی، فعالیت نظامداری است که ضمن فراهم نمودن ملاک‌هایی برای ارزشگذاری، به تهیه اطلاعاتی درباره پدیده یا موضوع ارزشیابی اقدام می‌کند و با مقایسه این دو دسته اطلاعات، از سودمندی و ارزش موضوع یا پدیده خبر می‌دهد (ر.ک؛ موسی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۳۶)؛ به عبارت دیگر، عنصر ارزشیابی سیمایی از وضعیت فعلی برنامه درسی ترسیم می‌کند و فاصله آن را با وضعیت مطلوب نشان می‌دهد.

در ادامه، از این عناصر چهارگانه برای تبیین استراتژی‌ها در کاربرد مدل‌های تربیتی دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه استفاده شده است.

جدول ۱: استراتژی‌های کاربرد مدل‌های تربیتی دعای بیست و پنجم صحیفه سجاده در طراحی برنامه درسی قصدشده معارف اسلامی

عناصر برنامه درسی دروس معارف اسلامی	استراتژی‌های کاربردی در استفاده از مدل‌های تربیتی موجود در دعای بیست و پنجم صحیفه سجاده
<p>اهداف</p> <p>زمینه‌سازی توجه به هویت توحیدی متریان بدون در نظر گرفتن مرزبندی‌های جنسیتی، قومی، نژادی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی</p> <p>سیاستگذاری در راستای تقویت قدرت تفکر متریان در آیات الهی</p> <p>تأکید بر بصیرت دادن، اطاعت‌پذیری و دشمن‌شناسی در اهداف مصوب سیاسی و اعتقادی دروس معارف اسلامی دوره‌های تحصیلی ابتدایی و متوسطه</p> <p>فراهم‌سازی توجه متوازن شناختی، عاطفی و عملکردی به ارزش‌های اسلامی در چهار حوزه الهی، فردی، اجتماعی و زیست محیطی</p> <p>تعیین اهداف برای گسترش حب به اهل بیت^(ع) در متریان</p> <p>تعیین اهداف واسطه‌ای با توجه به جنبه‌های عاطفی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و جسمانی</p>	<p>اهداف</p>
<p>محتوا</p> <p>تمهید شرایط معرفت نسبت به مقام و فضیلت اهل بیت^(ع) و نقش بی‌بدیل آن‌ها در هدایت و رستگاری بشر</p> <p>اشاره به بصیرت درونی نسبت به شئون دینی، سیاسی و اجتماعی زندگی</p> <p>فراهم نمودن زمینه گسترش تجربیات دینی در محتوای دروس</p> <p>تدوین کتاب‌های ضمیمه با محوریت سبک زندگی اخلاقی ائمه معصوم^(ع)</p> <p>در نظر گرفتن محتواهایی با پیش‌فرض آموزش تقوآمداری به متریان</p> <p>نگارش متناسب محتوا با میزان توانایی‌های شناختی متریان و در نظر گرفتن تفاوت‌های درون‌فردی و بین‌فردی آنان</p>	<p>محتوا</p>
<p>روش‌های یاددهی - یادگیری</p> <p>اشاعه آموزش مستدل در حوزه ارزش‌های ثابت و متغیر</p> <p>استفاده از روش دیالکتیک برای آماده‌سازی رشد تفکر انتقادی متریان و ممکن ساختن سنجش تجارب دینی و اخلاقی آنان</p> <p>تدریس عالمانه معلم و تکیه نکردن وی بر ظن‌یات تحقیق نشده در حوزه معارف اسلامی</p>	<p>روش‌های یاددهی - یادگیری</p>

معرفی شخصیت‌های دینی و بارز عصر حاضر برای الگودهی تأثیرگذار	
رعایت اقتضای رشد متربیان	
سامان‌دهی تدریس برای تکریم متربیان و توجه به حقوق الهی آنان	
انگیزه دادن به متربیان برای بازگشت به اسلام راستین و اصیل	
استفاده از روش گفتمان در راستای آموزش دشمن‌شناسی و بصیرت‌افزایی	
ایجاد جوّ مشارکتی در تدریس با تمرکز بر آموزش مسئولیت‌پذیری به متربیان	
استفاده از شواهد روایی و حدیثی برای تبیین جایگاه رزق حلال در زندگی اسلامی	
زمینه‌سازی برای خودسنجی متربیان	ارزشیابی
استفاده از ارزیابی‌های مبتنی بر پژوهش	
بهره‌گیری از روش ارزشیابی مشاهده‌ای	
سهل‌گیری در ارزشیابی آموزش‌های ارزش‌مدارانه	

نتیجه‌گیری

این مقاله ضمن بهره‌گیری از قطره‌ای از دریای بی‌کران معارف امام سجاده^(ع) به برخی از اشارات ایشان در زمینه تربیت اسلامی دست یافت. از جمله یافته‌های پژوهش این بود که بی‌شک دعا و نیایش یک نوع عبادت و خضوع انسان در برابر خداوند تواناست و همچون عبادات دیگر، اثر تربیتی فراوانی دارد. آموزه‌های تربیتی حضرت زین‌العابدین^(ع) در دعای بیست و پنجم صحیفه سجاده‌یه نشانگر آن است که دعا انسان را به معرفت خداوند رهنمون می‌شود و سبب می‌گردد تا بشر به نیازمندی‌های خویش پی‌ببرد و در برابر ذات پاک و بی‌همتای پروردگار متعال خضوع کند. دعا انسان را با نعمت‌های الهی آشنا می‌سازد و رابطه‌ای عمیق و استوار میان بنده و خالق او ایجاد می‌نماید. دعا به کمک انسان می‌شتابد و در دستیابی به خواسته‌هایش، وی را مدد می‌کند. دعا انسان را به مقامی

می‌رساند که خویش را جز بنده خدا نمی‌بیند و غیر از فرمان او، از چیزی دیگر اطاعت نمی‌کند. خلاصه دعا، خداشناسی، اعتماد به نفس، تقویت اراده و آرامش به انسان می‌بخشد و یأس و نومیدی را از او دور می‌کند و وی را فردی بلندهمت، تلاشگر، هوشمند و امیدوار می‌سازد؛ به عبارت دیگر، حضرت در این دعای شریف به مریبان می‌آموزد که در تربیت باید هم به جسم، هم دین و هم اخلاق توجه نمود. مربی باید هم خود را برای سعادت ابدی مرتبی بگذارد، اما در کنارش به جسم و نیازهای اقتصادی او، عاطفه و روان او، روابط اجتماعی و ... نیز توجه داشته باشد. در واقع، تربیت صحیح و کامل، تربیتی است که تمام ابعاد و ساحت‌های مرتبی را در بر بگیرد و همه نیازهایش را برطرف کند؛ چرا که غفلت یا کم‌توجهی یا توجه بیش از اندازه به هر یک موجب ناقص یا عقیم شدن تربیت می‌شود. همچنین، همه آن‌ها باید در یک جهت و به صورت هماهنگ باشند، نه اینکه هر یک با مسیری متضاد مرتبی را دچار تضاد و دوگانگی کنند. تجربه و عقل ثابت کرده‌است که انسان مستقلاً نمی‌تواند به تمام این ابعاد دست پیدا کند. پس باید از منابع متصل به خالق حکیم استفاده کند که فقط او کلّ ویژگی‌ها و ابعاد وجودی انسان را می‌شناسد و خودش آن‌ها را آفریده‌است.

استراتژی‌های کاربرد مدل‌های تربیتی دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه در برنامه درسی قصدشده معارف اسلامی دوره‌های ابتدایی و متوسطه، بخش دومی بود که در این مقاله معرفی شدند. مهم‌ترین این راهبردها در قالب عناصر اصلی چهارگانه (اهداف، محتوا، روش‌های یاددهی - یادگیری و ارزشیابی) و مضمون‌های فرعی تبیین گردید. لذا ضروری است که برنامه‌ریزان درسی معارف اسلامی تلاش و فعالیت‌های منظم و سازمان‌یافته خود را در این راستا طراحی، تنظیم و اجرا نمایند.

پی‌نوشت‌ها

۱- منظور برنامه درسی قصدشده دروس معارف اسلامی (هدیه‌های آسمان، آموزش قرآن، پیام‌های آسمان، دین و زندگی، و اخلاق اسلامی) در دوره‌های ابتدایی و متوسطه

است. در حال حاضر، به نظر می‌رسد که دروس معارف اسلامی نقش تعیین‌کننده‌ای در تربیت دانش‌آموزان این دوره‌های تحصیلی دارد؛ زیرا آموزش معارف اسلامی در دوره‌های ابتدایی و متوسطه به منظور تحقق دو هدف بنیان‌نهاد شده است: یکی پرورش جنبه‌های معنوی و روحانی متربیان و دیگری برخورداری از کارکردهای اجتماعی دین به منزله نیروی اجتماعی انسجام‌بخش و وحدت‌بخش در جامعه.

۲- «فيا أيها الطالب إن كنت تُريدَ اللهَ و قربه، فاطلب مقصودك من فصول الأدعية، و إن أردتَ الكمالَ والفوزَ والسعادة فأقبل بقلبك إلى الدعاء لأنه مخ العبادة، و إن كنتَ في بحر من الحيرة والقلق و أردت السكون والطمأنينة، فاسع سعيك و واصل جهدك لتجد مرادك في رحاب هذه الأدعية المأثورة عن الأئمة المعصومين. و يا أيها المرید اطلب مرادك من مضامين هذه الأدعية العظيمة» (طوسی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱: ۲).

۳- نویسنده اول این مقاله، پژوهش‌های گسترده‌ای را از سال ۱۳۸۸ در راستای هویت دینی برنامه درسی انجام داده است و نتایج آن را در نشریات معتبر داخلی به چاپ رسانده است؛ چراکه اعتقاد دارد اصولاً هر آنچه به انسان و حیات او مربوط می‌شود، از قلمرو دین خارج نیست. یقیناً دین به عنوان برنامه زندگی، در مسائل مختلف زندگی موضع و برنامه دارد و بدون توجه به این ویژگی دین، نمی‌توان شرایط مناسب برای رشد همه‌جانبه تربیتی را در قالب برنامه‌های درسی فراهم ساخت.

۴- طراحی برنامه درسی بر این تمرکز می‌کند که چه دانش، مهارت و ارزشی‌هایی را متربیان باید در مدارس بیاموزند، چه تجارب یادگیری باید درباره نتایج یادگیری مورد نظر ارائه شود، آموزش و یادگیری در مدارس یا نظام آموزشی چگونه می‌تواند برنامه‌ریزی، اندازه‌گیری و ارزشیابی شود (۲: ۲۰۱۱، Amin & Yan).

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

صحیفه سجادیه.

ابراهیمی فر، علی اصغر. (۱۳۸۵). *بررسی نظام تربیتی صحیفه سجادیه*. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

ابن نما حلی، جعفر بن محمد. (۱۳۸۰). *در سوگ امیر آزادی*. قم: حاذق.

اعرافی، علیرضا. (۱۳۹۳). *تربیت فرزندان با رویکرد فقهی*. قم: مؤسسه اشراق و عرفان.

امیری، مهدی، اکبر پرتابیان و زهره امیری. (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی عوامل و عناصر تشکیل‌دهنده برنامه درسی باقرآن کریم». *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*. ش ۲.

صص ۹۷-۱۱۸

انصاریان، حسین. (۱۳۸۱). *دیار عاشقان: تفسیر جامع صحیفه سجادیه حضرت زین العابدین (ع)*. تهران: پیام آزادی.

ایرانمنش، فاطمه سادات. (۱۳۹۴). *تربیت در صحیفه سجادیه*. تهران: الملل.

باقری، خسرو. (۱۳۹۵). *نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی*. ج ۱. تهران: مدرسه.

برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۱). تهران: وزارت آموزش و پرورش.

بهشتی، سعید و مسعود قریب. (۱۳۹۰). «نقش دعا در تربیت انسان از دیدگاه قرآن و کلام معصومین». *عقل و دین*. ش ۵. صص ۲۹-۵۹.

پیشوایی، مهدی. (۱۳۹۳). *سیره پیشوایان نگرشی بر زندگانی اجتماعی سیاسی و فرهنگی امامان معصوم (ع)*. قم: مؤسسه امام صادق (ع).

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. (۱۳۸۶). *درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی*. ج ۱. تهران: سمت.

چیتیک، ویلیام. (۱۳۸۴). *الصحیفة الكاملة السجادیة*. تهران: انصاریان.

- حسنى، شعبانعلی. (۱۳۸۹). «آثار تربیتی تقوا». *راه تربیت*. ش ۱۰. صص ۹۸-۸۵.
- حراعلمی، محمدبن حسن، (۱۴۲۱ق.). *الصحيفة السجادية الثانية*. قم: مؤسسه معارف اسلامی.
- حیدریان، امیر هوشنگ. (۱۳۹۳). «نقش دعا و ارتباط با خدا در تربیت دینی». *دانش انتظامی کرمانشاه*. ش ۱۹. صص ۶۳-۷۷.
- رحیمی، علیرضا. (۱۳۸۹). *تعلیم و تربیت بصیرت‌گرا: ارائه نظریه تربیتی مبتنی بر مفهوم بصیرت*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- سمایری، محمدایوب. (۱۳۸۵). *نقش محبت در تربیت از نظر اسلام*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه.
- شعبانی، حسن. (۱۳۹۳). *مهارت آموزشی: روش‌ها و فنون تدریس*. ج ۱. تهران: سمت.
- شهبازی، شهناز. (۱۳۹۱). *تبیین اهداف اصول و روش‌های تربیت دینی در صحیفه سجاده*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شاهد: دانشکده علوم انسانی.
- صادقی، افراسیاب و منصور مرعشی. (۱۳۹۳). *بررسی تربیت دینی و اخلاقی از منظر صحیفه سجاده*. مجموعه مقالات پنجمین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران: فلسفه تربیت دینی و تربیت اخلاقی. کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- صفایی مقدم، مسعود. (۱۳۸۶). *مبانی تربیت از نگاه امام سجاده (ع)*. اهواز: رسش.
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۷۰). *مکارم الأخلاق*. قم: شریف رضی.
- طوسی، محمدبن الحسن. (۱۴۱۱ق.). *مصباح المتعبد و سلاح المتعبد*. بیروت: مؤسسه فقه الشیعة.
- غلامی، مجاهد و مسعود خوشناموند. (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر تربیتی دعا و تلاش در شئون زندگی». *پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی*. ش ۱۱. صص ۱۱۳-۱۳۳.
- فقیهی، علی‌نقی، حسن نجف‌پور و رضا جعفری‌هرندی. (۱۳۹۴). «واکاوی آموزه‌های اهل بیت در زمینه تربیت اخلاقی فرزندان». *اخلاق*. ش ۲۰. صص ۹-۳۸.

- فیض الإسلام، علی نقی. (۱۳۷۹). ترجمه و شرح صحیفه سجاده. تهران: فیض الإسلام. قیوم‌زاده، محمود. (۱۳۹۴). *امام سجاده (ع)، صحیفه سجاده و نظام تربیتی اسلام*. قم: وحدت بخش.
- کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد. (۱۴۰۹ ق). *ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین*. قم: اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- متقی هندی، علی بن حسام‌الدین. (۱۴۰۹ ق). *کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال*. بیروت: مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق). *بحار الأنوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدی اشتهاردی، محمد. (۱۳۸۹). *درس‌های صحیفه*. تهران: نبوی.
- مرزوقی، رحمت‌الله. (۱۳۸۴). «انسان و تربیت از منظر صحیفه سجاده». *اندیشه دینی*. ش ۱۵. صص ۸۷-۹۵.
- مصباح یزدی، محمد تقی و گروهی از نویسندگان. (۱۳۹۰). *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*. تهران: مدرسه.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۹۱). *اخلاق در قرآن*. ج ۱. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ملاسلمانی، علی قائمی و سعید بهشتی. (۱۳۸۹). «بررسی مبانی تربیت اجتماعی از دیدگاه امام سجاده (ع) در صحیفه سجاده». *روان‌شناسی تربیتی*. ش ۱۷. صص ۱۲۰-۱۵۰.
- ملکی، حسن. (۱۳۹۱). *مقدمات برنامه‌ریزی درسی*. تهران: سمت.
- ممدوحی، حسن. (۱۳۸۱). *شهود و شناخت؛ شرحی بر دعاهای صحیفه سجاده*. قم: مؤسسه فرهنگی سماء.
- موسی‌پور، نعمت‌الله. (۱۳۹۵). *مبانی برنامه‌ریزی آموزش متوسطه*. مشهد: به‌نشر.
- میرشاه‌جعفری، ابراهیم و حمید مقامی. (۱۳۸۴). «رهیافتی به نظام تربیتی اسلام از نگاه صحیفه سجاده». *اندیشه دینی*. ش ۱۵. صص ۹۹-۱۱۸.

نادری، امیر، حمیدرضا آرایی و حمیدرضا شیرزادنسلی. (۱۳۹۲). «شیوه‌های تعلیم و تربیت از منظر امام سجاد(ع) با تکیه بر صحیفه سجادیه». *بصیرت و تربیت اسلامی*. ش ۲۶. صص ۱۳۳-۱۶۱.

نجفیان، مهدی، مهدی لسانی و محبوبه لسانی. (۱۳۹۳). «جایگاه درستکاری، مسئولیت پذیری، دلسوزی و بخشش مدیران در نظام تعلیم و تربیت اسلامی». *پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی*. ش ۹. صص ۱۲۵-۱۴۶.

نوریان، محمد. (۱۳۸۷). *تحلیل محتوای رسانه‌های آموزشی با تأکید بر کتاب‌های درسی*. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.

Aimin L, Yan C. (۲۰۱۱). "A Case Study of Colleg English Curriculum Design Under the Social Needs Analysis". *Studies in Literature and Language*. Vol. ۳, No. ۳. Pp. ۱-۵.

Shubert, William H. (۲۰۱۰). "Intended Curriculum". *Encyclopedia of Curriculum Studies*. London: SAGE Publications.

Tyler, R.W. (۱۸۴۸). *Basic Principles of Curriculum and Instruction*. Chicago: University of Chicago Press.